



ابو مزاحم خاقانی رحمه الله و تأثیرات وی در توسعه‌ی علم تجوید

بوهنیار ننگیالی قادری

دیپارتمنت تفسیر و علوم قرآن، پوهنځی شرعیات، پوهنتون کابل

Nangyalai2023@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0003-8873-6118>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

این مقاله به معرفی ابو مزاحم خاقانی و تأثیرات قصیده‌اش در توسعه‌ی علم تجوید پرداخته است. هم‌چنان تلاش‌های علمای قبل از امام ابو مزاحم رحمه الله را مورد بررسی قرار داده، و در صدد این است تا که تلاش‌های علمای قبل از ابو مزاحم را بررسی، و در نهایت تأثیرات قصیده‌اش را در نواحی مختلف علمی، با استفاده از روش تاریخی، تحلیلی و توصیفی مورد پژوهش و مذاقه قرار دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که: ابو مزاحم یکی از شخصیت‌های مهم حوزه‌ی تجوید، قراءات و حدیث می‌باشد، و دارای تأثیرات به سزای در ایجاد و تکوین علم تجوید داشته است. هم‌چنان ایشان نخستین نویسنده در این علم بوده و دارای تألیف مستقل در علم تجوید تحت نام «القصيدة الخاقانية» می‌باشند. در پهلوی این تحقیق ثابت می‌نماید که نمی‌توان آغاز تألیف در علم قراءات را آغاز تألیف در علم تجوید دانست، زیرا میان علم تجوید و علم قراءات تفاوت جوهری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: "المنظومة الخاقانية" ابو مزاحم خاقانی "تألیف در تجوید" علم تجوید.

Abu Muzahim Khaqani, may God have mercy on him, and his influence on th development of th science of tajweed

Author
Email
Orcid

Nangyalai qaderi

Interpretation and sciences of the Qur'an, Faculty of Sharia, Kabul University,
Kabul, Afghanistan
Nangyalai20.23@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0003-8873-6118>

Abstract

This article introduces Abu Muzahim Khāqāni and examines the impact of his qasida (poem) on the development of the science of Tajweed. It also explores the efforts of scholars before Imam Abu Muzahim (may Allah have mercy on him), aiming to analyze and evaluate their contributions. Ultimately, this study investigates the influence of his qasida on various scientific fields using historical, analytical, and descriptive methods. The findings of this research indicate that Abu Muzahim was one of the key figures in the fields of Tajweed, Qira'at (Quranic recitations), and Hadith, significantly contributing to the formation and consolidation of the science of Tajweed. Furthermore, he was the first scholar to author an independent work in this field, titled Al-Qasida Al-Khaqāniyya. Although scholars of Arabic grammar, lexicology, and morphology made valuable efforts in discussing different aspects of this science, their contributions were unstructured and did not lead to the independent authorship of a book specifically on Tajweed. This study also confirms that the beginning of authorship in the science of Qira'at cannot be considered the beginning of authorship in the science of Tajweed, as there is a fundamental difference between the two disciplines.

Keywords: Al-Manzuma Al-Khaqāniyya, Abu Muzahim Khāqāni, Authorship in Tajweed, Science of Tajweed.

مقدمه

علم تجوید از جمله‌ی علوم اساسی و مهم است، که تعلق آن به همراه قرآن کریم می‌باشد. طوریکه هدف آن درست خواندن کلمات قرآن کریم بوده و در تلاش این است، که خواننده از اشتباه در هنگام تلاوت قرآن کریم محفوظ بماند. از سوی دیگر باید دانست که قرآن کریم با تجوید نازل شده و صحابه‌ی کرام-رضی الله عنهم-، تابعین و علمای بعد از آن‌ها-رحمهم الله- قرآن کریم را با تجوید دریافت نموده و برای نسل‌های بعدی با تجوید انتقال نمودند. در این سلسله وقتی که در اواخر قرن اول، قرن دوم و سوم هجری تدوین علوم آغاز شد، و علوم مختلف توسط علما تدوین گردید، بعضی مسائل علم تجوید هم در ضمن علم القراءات تدوین شد، و این سلسله جریان داشت تا وقتی که ابو مزاحم خاقانی آمده و با به نظم در آوردن «المنظومة الرائیة» خود خشت اول تألیف در علم تجوید را نهاد، که بنا بر تصریح اکثریت علما ایشان صاحب اولین تألیف در این علم می‌باشند، بنا بر این شناخت مراحل مختلف علم تجوید از ابتدا تا به ابو مزاحم -رحمه الله- از جمله‌ی مسائل ضروری و مهمی است که برای هر مسلمان به خصوص متخصصین در علم تجوید مهم می‌باشد. بنا بر این مقاله موضوع فوق را از نواحی مختلف با به کارگیری روش تاریخی، توصیفی و تحلیلی تحت بررسی قرار داده است.

تبیین مسأله

بررسی اولین تألیف در علم تجوید در پهلوی بررسی حالت تجوید قبل از آن، از جمله مسائل مهمی است که مبتنی بر اهمیت علم تجوید می‌باشد، که اهمیت آن یک امر مسلم و جدال ناپذیر است. بناءً این تحقیق در باره‌ی بررسی نخستین تألیف در علم تجوید، معرفی نویسنده و تأثیرات نویسنده در توسعه‌ی این علم بوده و با استفاده از روش‌های علمی، تلاش می‌کند تا مسأله فوق را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار بدهد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش‌های اصلی: ابو مزاحم خاقانی -رحمه الله- چگونه شخصیت بوده و تأثیرات وی در توسعه‌ی علم تجوید چه می‌باشد؟
پرسش‌های فرعی

۱. علم تجوید قبل از ابو مزاحم خاقانی -رحمه الله- چگونه بوده است؟
۲. تلاش‌های علما قبل از ابو مزاحم خاقانی چگونه می‌باشد؟
۳. تأثیرات تألیف ابو مزاحم خاقانی بر تلاش‌های علمای بعد از او چگونه می‌باشد؟

اهمیت تحقیق

اهمیت این تحقیق بر می‌گردد بر این که این تحقیق در باره‌ی علم تجوید در مراحل اولی آن می-پردازد و چگونگی آنرا بیان می‌دارد هم‌چنان اولین تألیف در علم تجوید را معرفی می‌نماید.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: معرفی شخصیت و نقش ابومزاحم خاقانی-رحمه‌الله- در توسعه‌ی علم تجوید.
اهداف فرعی

۱. معرفی اولین تألیف در علم تجوید و مؤلف آن.
۲. بررسی حالت علم تجوید قبل از منظومه‌ی خاقانیه.

پیشینه‌ی تحقیق

بعد از بحث و بررسی زیاد، کتاب ویا مقاله‌ی را در نیافتیم که به صورت کامل تمام جوانب این موضوع را بررسی نموده باشد، البته تحقیقاتی در این زمینه وجود دارد که قرار ذیل است: دانشمندانی که در مورد زنده‌گی‌نامه‌ی علماء-رحمهم‌الله-(تراجم العلماء) کتب نوشته‌اند، مانند: خطیب بغدادی رحمه‌الله- در «تاریخ بغداد»، ویا ابن کثیر-رحمه‌الله- در «البدایة والنهایة». این علما و دانشمندان به بعضی جوانب این موضوع پرداخته‌اند. ولی باید گفت: این تلاش‌ها غیر منظم و اکثراً کوتاه و مختصر می‌باشند. کتبی که به صورت خاص در مورد «طبقات القراء» نوشته شده است مانند: غایة النهایة فی طبقات القراء. این کتاب تألیف: شمس‌الدین محمد بن محمد بن یوسف، ابوالخیر ابن الجزری-رحمه‌الله- می‌باشد. در مکتبه ابن تیمیه-رحمه‌الله- در سال ۱۳۵۱هجری قمری به چاپ رسیده است. معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار. این کتاب تألیف: ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان ذهبی-رحمه‌الله- می‌باشد. و در مکتبه دار الکتب العلمیة- بیروت در سال ۱۴۱۷هجری به چاپ رسیده است. با وجودی که در دو کتاب فوق موضوعات مهم در باره زنده‌گی‌نامه‌ی ابومزاحم-رحمه‌الله- ذکر گردیده است، ولی این معلومات به شکل غیر منظم بوده و به تمام نواحی زنده‌گی و تأثیرات ابومزاحم خاقانی-رحمه‌الله- در توسعه‌ی علم تجوید اشاره نشده است. هم‌چنان آن‌چه را محترم غانم قدوری الحمد-رحمه‌الله- در کتاب خود «ابحاث فی علم التجوید» از صفحه ۱۷ الی ۴۷ ذکر نموده است. کتاب فوق در مطبعة «دار عمار لنشر و التوزیع» در سال ۱۴۲۲هجری قمری به چاپ رسیده است. در باره‌ی این بحث باید گفت: که بحث فوق از جمله‌ی بهترین و جامع‌ترین مباحث در مورد این موضوع می‌باشد. اما چون بحث فوق اندکی طولانی بوده، از سوی دیگر به زبان عربی می‌باشد، بناءً ضرورت به بحث هذا موجود می‌باشد. ویژه‌گی‌های این مقاله این است که به صورت مستقل، مختصر و

جامع با استفاده از منابع معتبر به بررسی موضوع فوق به اساس ترتیب منطقی و منسجم پرداخته است.

روش تحقیق

روش تحقیقی که در این مقاله به کار گرفته شده است، روش، تحلیلی - توصیفی می‌باشد و بر منابع کتابخانه‌ی تکیه دارد.

نتایج و یافته‌ها

معرفی امام ابو مزاحم خاقانی - رحمه الله: وی ابو مزاحم موسی بن عبید الله بن یحیی بن خاقان است. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۷) در سال ۲۴۸ هـ در بغداد متولد شد. (مرزبانی، ۱۴۲۲: ۲۰۵) پدر، پدر کلان و برادر وی از جمله‌ی وزرای دولت عباسی بودند. ابو مزاحم خاقانی - رحمه الله - از جمله علمای اهل سنت، متمسک به آن، جامع علوم مختلف، ثقة، حافظ، متقن، مجود، شاعر، زاهد، عامل به کتاب و سنت و متمسک به مذهب امام اهل السنة امام احمد بن حنبل - رحمه الله - بوده است. امام ابو عمرو دانی رحمه الله - رحمه الله - می‌گوید: ابو مزاحم متمسک به سنت بود، دنیا را ترک گفته و خود را مشغول روایت حدیث و تعلیم قرآن به مردم کرد. هم‌چنان می‌گوید: وی در زبان عربی دست بالای داشته، شاعر و مجود بود. (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۲۵۰).

شیوخ و شاگردان: ابو مزاحم خاقانی رحمه الله - رحمه الله - برای یادگیری قراءات وحروف نزد علمای مشهور آن زمان زانوی شاگردی زد، تا این که در قرائت کسائی به مرحله امامت رسید. امام ابو عمرو دانی - رحمه الله - می‌گوید: وی در باره‌ی قرائت کسائی آگاهی کامل داشته و در آن امام وضابط بود. (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۵۱) مشهور ترین شیوخ وی در بخش قراءت حسن بن عبد الوهاب و محمد بن فرج - رحمه الله - می‌باشد، که قراءات را به صورت عرض از اینها فرا گرفت، و این دو امام از طریق امام دوری - رحمه الله - از کسائی - رحمه الله - روایت نموده اند، هم‌چنان ادريس بن عبد الکریم، محمد بن یحیی کسائی، عبد الوهاب بن محمد بن عیسی، احمد بن یوسف تغلبی از ابن ذکوان، محمد بن احمد بن واصل - رحمه الله - از جمله شیوخ ایشان به شمار می‌روند. (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۵۱) بعد از این که وی علوم مختلف را از علمای مشهور زمان خود فراگرفت، در مسند تدریس نشسته و شاگردان زیادی را به جامعه اسلامی تقدیم نمود که از جمله شاگردان مشهور ایشان در بخش قراءت احمد بن نصر، محمد بن احمد بن ابراهیم، احمد بن حسن بن شاذان، محمد بن احمد شنبوذی، زید بن علی و غیره - رحمه الله - می‌باشد. (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۲۵۰)

ثنای علماء: مکانت علمی، عقیده، تقوی و اخلاص این امام چیزی متفق علیه در نزد علما در کتب تراجم و طبقات می‌باشد، و علما ذکر خیر و ثنای عاطر را در باره‌ی او نوشته اند. خطیب

بغدادی -رحمه الله- می‌گوید: «ایشان ثقه، دین‌دار و از جمله‌ی اهل سنت بودند». (ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ۲۳) ابن جزری -رحمه الله- می‌گوید: «امام، مقرئ، مجود، محدث، ثقه و سنی بودند». (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۲۰) امام ابو عمرو دانی رحمه الله -رحمه الله- می‌گوید: ابو مزاحم متمسک به سنت بود، دنیا را ترک گفته و خود را مشغول روایت حدیث و تعلیم قرآن به مردم کرد. هم‌چنان می‌گوید: وی در زبان عربی دست بالای داشته، شاعر و مجود بود. (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۲۸۰) وفات: خطیب بغدادی می‌گوید: ابو مزاحم موسی بن عبید الله در ۱۱ ذی الحجة سال ۳۲۵ هجری وفات نمود. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۶۰)

ابو مزاحم خاقانی صاحب نخستین تألیف در علم تجوید: امام ابو مزاحم خاقانی از جمله‌ی اولین کسانی است که در علم تجوید به شکل مستقل تألیف نموده و مسائل آنرا به شکل منظومه‌ی شعری در قصیده‌ی مشهورش به نام «القصيدة الرائية» به رشته نظم در آورده است. چنانچه علمای بزرگی به این مسأله تصریح نموده اند. ابن جزری رحمه الله -رحمه الله- می‌گوید: تا حدی که می‌دانم وی اولین کسی است که در علم تجوید تصنیف نموده است، و قصیده‌ی رائیه او مشهور است که حافظ ابوعمر دانی -رحمه الله- آنرا شرح نموده است. (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۲۱). حاجی خلیفه -رحمه الله- در کشف الظنون این چنین می‌گوید: اولین کسی که در علم تجوید تصنیف نموده است، موسی بن عبید الله بن یحیی بن خاقان -رحمه الله- می‌باشد. (حاجی خلیفه، بدون تاریخ: ۳۴۹).

علم تجوید قبل از امام ابو مزاحم خاقانی: قبل از ابو مزاحم طوائف زیادی از علمای سلف در باره تحقیق در مورد مسائل علم تجوید اهتمام نموده اند. مشهور ترین آنها علمای لغت، نحو و علمای قرائت قرآن کریم می‌باشد. البته اگر چه تلاش های این علما متصل و پیوسته است، اما تلاش علمای لغت و نحو از خلال آنچه که برای آنها از ثر و نظم کلام عرب رسیده بود می‌باشد، در حالی که علمای قرائت اصوات و صداها‌ی عربی را مورد پژوهش قرار داده و آنرا به صورت خاص بالای امثله قرآنی تطبیق می‌نمودند. تحقیقات لغوی در زبان عربی در قرن دوم و سوم هجری از حیث کثرت ماده و کثرت تألیف به مرحله‌ای پیشرفته خود رسید. در پهلوی آن روایت قراءات تحقیق و تألیف در باره‌ی آن در این مرحله به عمق و شگوفائی رسیده بود. اما با وجود آن، چنانچه معلوم می‌شود تمام اینها منتج به ظهور کتاب مستقلی در باره علم تجوید نشد، تا این که ابو مزاحم خاقانی -رحمه الله- متوفای سال ۳۲۵ هـ آمده و با نظم قصیده‌ی خود در باره حسن ادای قرآن خشت اول و تهداب این بنا را گذاشت. (غانم قدوری الحمد، ۱۴۲۰: ۴۲).

تلاش های علما در مورد مسائل علم تجوید: علمای لغت و نحو مانند خلیل بن احمد، سیبویه، مبرد و غیره -رحمهم الله- بیشترین تلاش ها را در باره مسائل علم تجوید انجام داده اند

و مسائل این علم را در کتب خود تحت مطالعه، بحث و بررسی قرار داده اند، ولی این کار شان خیلی‌ها به شکل مختصر و گذرا بوده است.

آیا نمی‌شود که آغاز تألیف در علم قراءات را آغاز تألیف در علم تجوید بدانیم: وقتی که انسان در بسیاری از کتبی که در علم تجوید نوشته شده است مطالعه می‌نماید، در می‌یابد که آن‌ها وقتی در باره نشأت و تاریخچه‌ی علم تجوید و تألیفات در آن سخن می‌گویند، کتب قراءات را من حیث اولین کتب تألیف شده در علم تجوید ذکر می‌نمایند؛ بنا بر این آیا می‌شود که آغاز تألیف در علم قراءات را آغاز تألیف در علم تجوید دانست و یا خیر؟ جواب: با وجودی که کتب قراءات متضمن اشارات زیادی به مسائل تجوید می‌باشند، اما با وجود آن نمی‌توان آغاز تألیف در علم قراءات - در اواخر قرن اول هجری آغاز و در قرن دوم هجری به شگوفایی رسید - را آغاز تألیف در علم تجوید دانست؛ زیرا: اول: این که این اشارات تا مدت‌های زیادی به شکل مختصر و غیر منظم بوده است. دوم: این که فرق جوهری در میان علم قراءات و علم تجوید وجود دارد. چنانچه استاذ محمد مرعشی - رحمه الله - در کتاب خود «جهد المقل» می‌گوید: اگر تو بگویی که در میان علم تجوید و علم قراءات چه فرقی وجود دارد؟ می‌گوییم: علم قراءات علمی است که توسط آن، اختلاف ائمه امصار - رحمه الله - در نظم قرآن کریم، در نفس حروف و یا صفات آن دانسته می‌شود، ولی در صورتی که بحث ماهیت صفات در آن ذکر گردد آن از قبیل مسائل تکمیلی می‌باشد؛ زیرا به مقصد اصلی تعلق ندارد. اما هر چه علم تجوید است هدف و مقصد از آن دانستن ماهیت صفات حروف می‌باشد، و در صورتی که در آن چیزی از اختلاف ائمه ذکر گردد، آن از قبیل مسائل تکمیلی می‌باشد. (ساجلی زاده، ۱۴۲۲: ۱۱۰).

بنا بر این نمی‌توان آغاز در علم القراءات را آغاز در علم تجوید دانست. البته این سخن به این معنا نیست که متقدمین علمای قرائت - رحمه الله - به این مسأله توجه و اهتمام ننموده اند؛ زیرا حقیقت حال این است که آن‌ها اصول و قواعد علم تجوید را به صورت عملی تطبیق می‌نمودند، و آن‌ها قراءات را به صورت تلقین و مشافه نقل می‌نمودند، و آن‌ها عیناً چنانچه نسل‌های اولی صحابه و تابعین، قرآن را با تجوید تلاوت می‌نمودند، تلاوت می‌کردند در حالی که این علم را در کتاب‌ها مورد مطالعه قرار نداده بودند؛ بلکه قواعد این علم مرتبط به تلقی و اخذ شان قرآن را به صورت مجود بود؛ با در نظر داشت این که آن‌ها دارای فصاحت بودند و لغت شان به همراه عجمه نیز خلط نشده بود. (غانم قدوری الحمد، ۱۴۲۰: ۱۳-۱۴).

توثیق نسبت این قصیده به امام ابو مزاحم خاقانی: علما در نسبت این قصیده به امام ابو مزاحم خاقانی - رحمه الله - متفق بوده و این قصیده را در کتب خود به او نسبت داده اند. در اینجا اقوال بعضی از علمای که این قصیده را در ضمن مؤلفات او ذکر نموده اند می‌آوریم:

امام ابوعمر و دانی، -رحمه الله- کسی که این قصیده را شرح نموده است، در مقدمه‌ی شرح خود این چنین می‌گوید: این کتابی است که در آن قصد شرح قصیده‌ی ابو مزاحم موسی بن عبید الله یحیی بن خاقان بغدادی، -رحمه الله- مشهور به خاقانی که در باره‌ی «قرائت و حسن اداء» گفته است را داریم. (ابوعمر و دانی، بدون تاریخ ۸-۹) امام ذهبی -رحمه الله- در ترجمه‌ی ابومزاحم می‌گوید: «ایشان منظومه‌ی مشهور را به رشته نظم در آورده اند که در آن مؤفق بوده است». (ذهبی، ۱۴۲۲: ۲۲۰). ابن جزری -رحمه الله- می‌گوید: «تا حدی که من می‌دانم ایشان اولین شخصی است که در علم تجوید تصنیف نموده است و قصیده رائیه‌اش مشهور بوده و آنرا حافظ ابوعمر و شرح نموده است». (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۲۱). حاجی خلیفه -رحمه الله- در کشف الظنون می‌گوید: «قصیده‌ی خاقانیه از موسی بن عبید الله بن یحیی خاقانی -رحمه الله- که در علم تجوید تألیف نموده و آنرا ابوعمر و شرح نموده است». (حاجی خلیفه، بدون تاریخ: ۳۴۹)

نام قصیده: ابومزاحم برای منظومه خود نام مشخصی را ذکر نکرده است، و نه از او در این باره چیزی نقل شده است. بنا بر این کسانی که این قصیده را ذکر می‌کنند، آن را یا به نام و یا نسبت مولف منسوب ساخته مثلاً می‌گویند: «القصيدة الخاقانية»، یا «قصيدة الخاقانی»، و یا آن را به اساس موضوعاتی که به آن این منظومه مشتمل است ذکر می‌کنند مثلاً: «قصيدة فی التجوید»، و یا «قصيدة فی وصف القراءة والقراء»، و یا «قصيدة فی حسن الأداء القرآن». هم چنان بعضی علما آن را به نام‌های «المنظومة الخاقانية»، «القصيدة الرائیة فی التجوید» نیز یاد نموده اند. (ابوعمر و، بدون تاریخ: ۱۸، ابن جزری، ۱۳۵۱: ۵۰۵، حاجی خلیفه، بدون تاریخ: ۱۳۲۷، رضا کحاله، ۱۴۲۰: ۲۴۲، زرکلی، ۱۴۲۰: ۲۷۵، فواد سزکین، ۱۴۰۹: ۱۶۵).

تعداد ابیات: منظومه‌ی فوق دارای ۵۱ بیت می‌باشد؛ چنانچه مؤلف به آن در بیت ۱۸ اشاره کرده می‌گوید: «وَأَبْيَاتُهَا خَمْسُونَ بَيْتًا وَوَاحِدٌ تَنْظُمٌ بَيْتًا بَعْدَ بَيْتٍ عَلَى الْإِثْرِ». هم چنان باید گفت: این منظومه در بحر طویل سروده شده است.

توثیق متن قصیده: محترم غانم قدوری الحمد -رحمه الله- در کتاب خود «أبحاث فی علم التجوید» با اعتماد به دو نسخه خطی که یکی آن نسخه‌ی است که ابو عمرو دانی -رحمه الله- در شرح خود بالای آن اعتماد نموده است - این نسخه در مکتبه جسر بتی تحت شماره (۱۰۳۶۵۳) محفوظ می‌باشد - و نسخه‌ی دیگر آن در مکتبه پوهنتون ازهر تحت شماره ۱۶۲۳۰/۱۹۲ محفوظ است، متن این قصیده را تحقیق نموده است. در اینجا ما هم متن قصیده فوق را از کتاب ایشان نقل و به آن اعتماد می‌کنیم. باید گفت که در جاهای اندک تفاوت میان دو نسخه فوق وجود دارد، که محترم غانم قدوری در پاورقی های کتاب خود به آن اشاره نموده است، ولی ما به اساس رعایت

اختصار از نقل حواشی فوق صرف نظر نموده ایم، و صرف متن قصیده را بدون اشاره به اختلافات میان نسخه ها نقل نموده ایم.

متن قصیده

وَلَا فُخْرَ إِنَّ الْفُخْرَ يَدْعُو إِلَى الْكَبْرِ
يَحُولِي مِنْ شَرِّ الْمُبَاهَاةِ وَالْفُخْرِ
وَحَفْظِي فِي دِينِي إِلَى مَتْنَهِي عُمرِي
فَمَا زَالَ دَا عَمُو جَمِيلٍ وَذَا عَمِرٍ
يُضَاعِفُ لَكَ اللَّهُ الْجَزِيلَ مِنَ الْأَجْرِ
فَمَا زَالَ دَا عَمُو جَمِيلٍ وَذَا عَمِرٍ
وَلَا كُفْلٌ مَنْ فِي النَّاسِ يُقْرَهُمْ مُقْرِي
عَنْ الْأَوَّلِينَ الْمُفْرَيْنَ ذَوِي السَّرِّ
لِإِقْرَانِهِمْ قُرْآنَ رَبِّهِمْ لِلْوَرَى
وَبِالْبَصْرَةِ ابْنِ الْعَلَاءِ أَبُو عَمْرٍو
وَعَصَائِمُ الْكُوفِيِّ وَهُوَ أَبُو بَكْرٍ
أَخُو الْحَذَقِ بِالْقُرْآنِ وَالنَّحْوِ وَالشُّعْرِ
إِذَا رَتَّلَ الْقُرْآنَ أَوْ كَانَ دَا حَذِرٍ
أَمْرُنَا بِهِ مِنْ مُكِنَّا فِيهِ وَالْفِكْرِ
لَنَا فِيهِ إِذْ دِينَ الْعِبَادِ إِلَى الْيُسْرِ
لِيُدْرِيَهُ مَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْكُمْ يَدْرِي
وَلَمْ أَخْفِ عَنْكُمْ ذَلِكَ الْعِلْمَ بِالذُّخْرِ
رَجَوْتُ لِأَهْمِي أَنْ يُحْطَ بِهَا وَرَدِي
تَنْظُمَ بَيْتًا بَعْدَ بَيْتٍ عَلَى الْإِثْرِ
إِقَامَتَنَا إِغْرَابَ آيَاتِهِ الرَّهْرِ
مُطِيعًا لِأَمْرِ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْجَهْرِ
تِلَاوَةً تَالٍ أَدْمَنَ الدَّرْسَ لِلذُّكْرِ
وَأَذْهَبَ بِالْإِدْمَانِ عَنْهُ أَدَى الصَّدْرِ
وَمَعْرِفَةً بِاللَّحْنِ مِنْ فَيْكِ إِذْ يَجْرِي
فَمَا لِلَّذِي لَا يَعْرِفُ اللَّحْنَ مِنْ عُذْرِ
رُبَادَةٍ فِيهَا وَاسْأَلِ الْعَوْنَ ذَا الْقَهْرِ
فَوَزْنُ حُرُوفِ الدُّكْرِ مِنْ أَفْضَلِ الْبِرِّ
عَلَى أَحَدٍ أَنْ لَا تَزِيدَ عَلَى عَشْرِ
وَأَدْعُمْ وَأَخْفِ الْحُرُوفَ فِي غَيْرِ مَا عَشْرِ
وَيَتَنَّهُ مَا فَزَقَ فَفَقَّرْتُهُ بِالْيُسْرِ

أَقُولُ مَقَالًا مُعْجِبًا لِأَوَّلَى الْحَجْرِ
أَعْلَمُ فِي الْقَوْلِ التَّلَاوَةَ غَائِذًا
وَأَسْأَلُهُ عَوْنِي عِلْمَ مَا نَوَيْتُهُ
وَأَسْأَلُهُ عَنِّي التَّجَاوُزَ فِي عَدِي
أَيَا قَارِئِ الْقُرْآنِ أَحْسِنَ أَدَاءَهُ
وَأَسْأَلُهُ عَنِّي التَّجَاوُزَ فِي عَدِي
فَمَا كُلُّ مَنْ يَشْلُو الْكِتَابَ بِقِيَمَتِهِ
وَإِنَّ لَنَا أَخَذَ الْقِرَاءَةَ سُنَّةً
فَلِسَبَّحَةِ الْقُرَاءِ حَقُّ عَلَى الْوَرَى
فَالْحَرَمَيْنِ ابْنِ الْكَبِيرِ وَنَافِعُ
وَبِالشَّامِ عَبْدُ اللَّهِ وَهُوَ ابْنُ عَامِرٍ
وَحُمُرَةُ أَبِصَاءَ وَالْكِتَابِيُّ بَعْدَهُ
فَدُو الْحَذَقِ مُعْطٍ لِلْحُرُوفِ حُقُوقَهَا
وَتَرْتِيلُنَا الْقُرْآنَ أَفْضَلَ لِلَّذِي
وَأَمَّا حَذَرْنَا دَرَسْنَا فَمُرْخَصُ
أَلَا فَاحْظُوا وَصَفَى لَكُمْ مَا اخْتَصَرْتُهُ
فَفِي سَرِيَّةٍ لَوْ كَانَ عِلْمِي سَقِيئَكُمْ
فَقَدْ قُلْتُ فِي حُسْنِ الْأَدَاءِ قَصِيدَةً
وَأُبَيَّاتُهَا حَمْسُونَ بَيْتًا وَوَاحِدُ
وَبِاللَّهِ تَوْفِيقِي وَأَجْرِي عَلَيْهِ فِي
وَمَنْ يَقِمِ الْقُرْآنَ كَالْقَدَحِ فَلْيَكُنْ
أَلَا أَعْلَمُ أَخِي أَنَّ الْفَصَاحَةَ زَيْتُ
إِذَا مَا تَلَا النَّالِي أَوْقَى لِسَانَهُ
فَأَوَّلُ عِلْمِ الدُّكْرِ إِنْشِقَانُ حِفْظِهِ
فَكُنْ عَارِفًا بِاللَّحْنِ كَيْمَا تُزِيلُهُ
فَإِنَّ أَنْتَ حَقَّقْتَ الْقِرَاءَةَ فَاحْذَرِ السَّرَّ
زِنِ الْحَرْفَ لَا تُخْرِجْهُ عَنْ حَدِّ وَزْنِهِ
وَحَكْمُكَ بِالتَّحْقِيقِ إِنْ كُنْتَ آخِرُ ذَا
فَبَيْنَ إِذْنِ مَا يَنْبَغِي أَنْ تُبَيِّنَهُ
وَإِنَّ السَّنْدِي تُخْفِيهِ لَيْسَ بِمُدْعَمٍ

وَقُلْ إِنَّ تَشْكِينَ الْحُرُوفِ بِجَزْمِهَا
فَحَرْكُ وَسَكَنُ وَأَفْطَعْنُ تَارَةً وَصِرْلُ
وَمَكْنُ وَمِيزُ بَيْنَ مَلْدُ وَالْقَصْرِ
هِيَ الْأَلْفُ الْمَعْرُوفُ فِيهَا سُكُونُهَا
وَحَفَفُ وَثَقُلُ وَاشْدُ الْفُكُ مُشْدُ أَتَى
وَمِمَّا كَانَ مَهْمُورًا فَكُنْ هَامِزًا لَهُ
فَإِنْ يَكُ قَبْلَ الْيَاءِ وَالْوَاوِ فَتَحَةٌ
وَأَرْقُ بَيَانُ الرَّاءِ وَاللَّامِ تَنْدَرِبُ
وَأَنْعِمُ بَيَانُ الْعَيْنِ وَالْهَاءِ كُلَّمَا
وَقَفَ عِنْدَ إِثْمَامِ الْكَلَامِ مُوَافَقًا
وَلَا تُشْدَغَمَنَّ الْمِيمُ إِنْ جُنْتُ بَعْدَهَا
وَضَمُّكَ قَبْلَ الْوَاوِ كُنْ مُشْبِعًا لَهُ
وَإِنْ حَرَفٌ لَيْنٌ كَانَ مِنْ قَبْلِ سَاكِنٍ
مَسَدَدَتْ لَأَنَّ السَّاكِنِينَ تَلَاقِيَا
وَأُسْمِي حُرُوفًا سِتَّةً لِتُخَصَّهَا
فَحَاءٌ وَخَاءٌ ثُمَّ هَاءٌ وَهَمْزَةٌ
فَهَازِي حُرُوفُ الْحَلْقِي يَخْفَى بَيَانُهَا
وَلَا تُشْدِدُ النُّونُ التَّسِي يُظْهِرُونَهَا
وَإِظْهَارُكَ التَّوَيْنَ فَهِيَ قِيَاسُهَا
وَقَلْدُ بَقِيَتْ أَشْيَاءُ بَعْدَ لَطِيفَةٍ
فَلَا بِنَ عُبَيْدُ اللَّهِ مُوسَى عَلَى الْهَدْيِ
أَجَابَكَ فَيَا رَبُّنَا وَأَجَابَنَا

وَتَحْرِيكِهَا بِالرُّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ
وَمِمَّا الْمَدُّ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ أَحْرَفٍ
تُسَمَّى حُرُوفُ اللَّيْنِ بَاحٌ بِهَا ذِكْرِي
وَوَاوُ وَيَاءُ يَسْكُنَانِ مَعًا قَادِرِ
وَلَا تُفْرَطَنَّ فِي الْفَتْحِ وَالضَّمِّ وَالْكَسْرِ
وَلَا تَهْمَزَنَّ مِمَّا كَانَ لَحْنًا لَدَى النَّثْرِ
وَبَعْدَهُمَا هَمْزٌ هَمَزَتْ عَلَى قَدْرِ
لِسَانِكَ حَتَّى تَنْظِمَ الْقَوْلَ كَاللُّدْرِ
دَرَسَتْ وَكُنْ فِي الدَّرْسِ مُعْتَدِلَ الْأَمْرِ
لِمُصْحَفِنَا السَّمَلُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
بِحَرْفٍ سِوَاهَا وَاقْبَلِ الْعِلْمَ بِالشُّكْرِ
كَمَا أَشْبَعُوا (إِيَّاكَ نَعْبُدُ) فِي الْمَرِّ
كَآخِرِ مَا فِي الْحَمْدِ فَاْمُدَّهُ وَاسْتَجِرِ
قَصَارًا كَتَحْرِيكِ كَذَا قَالَ دُو الْخَبْرِ
بِإِظْهَارِ نُونٍ قَبْلَهَا أَبَدَ الدَّهْرِ
وَعَيْنٌ وَغَيْنٌ لَيْسَ قَوْلِي بِالْخُبْرِ
فَلْدُونِكَ بَيْنَهَا وَلَا تَغْصِيَنَّ أُمْرِي
كَقَوْلِكَ (مِنْ خَيْلٍ) لَدَى سُورَةِ الْحَشْرِ
فَتَبَّ عَلَيْهَا فُزْتُ بِالْكَاعِبِ الْبُكْرِ
يُبَيِّنُهَا رَأَى تَتَى التَّعْلُمَ بِالْصَّبْرِ
يُعَلِّمُهُ الْخَيْرُ الدُّعَاءُ لَدَى الْقُبْرِ
أَخِي فَيْكَ بِالْغُفْرَانِ مِنْهُ وَبِالنَّصْرِ

با بحث و بررسی در کتب تجوید و شروح این مقدمه، معلوم می‌شود که این قصیده و مؤلف آن به پیمانه‌ی که امروز فراموش شده اند، در نزد متقدمین فراموش شده نبودند، بلکه قصیده و مؤلف آن از جمله موضوعات داغ بحث های علمی متقدمین بوده است. امام ابو عمرو دانی -رحمه الله- در مقدمه‌ی شرح خود علت نوشتن شرح خود را بالای این منظومه این چنین بیان می‌دارد: چیزی که ما را به شرح این قصیده و تلخیص معانی آن دعوت نمود، استحسان خواص و عوام از این قصیده، و شدت رغبت اهل قرآن به فهم و حفظ آن می‌باشد. (ابو عمرو دانی، بدون تاریخ ۸-۹) بنا بر این مشاهده می‌کنیم که این قصیده در نزد متقدمین دارای جایگاه خاص بوده، و نه تنها علما بلکه حتی عوام مردم هم به فهم معانی، حفظ، شرح و بیان آن علاقه مندی و اشتیاق داشتند. و این

قصیده در بخش‌های مختلف دارای تأثیرات مهمی در تلاش‌های علمای بعدی می‌باشد، که در این جا به صورت مختصر به آن اشاره می‌کنیم.

سرودن معارضات بر این قصیده: یکی از گوشه‌های تأثیر این قصیده سرودن معارضات توسط علمای بعدی، بر این قصیده می‌باشد. طوریکه علما معارضاتی را بر این قصیده سروده‌اند که به صورت نمونه به دو معارضه، اشاره می‌نماییم:

قصیده ابو الحسین ملطی (۳۷۷هـ) در معارضه قصیده‌ی خاقانی: وقتی قصیده ابو مزاحم به ابوالحسین محمد بن احمد ملطی - رحمه الله - رسید، وی با قصیده مشابه معارضه آن را نمود. چنانچه ابوبکر بن خیر اشبیلی - رحمه الله - در فهرست خود این طور ذکر می‌کند: قصیده ابوالحسین محمد بن احمد ملطی در معارضه قصیده ابو مزاحم خاقانی رحمه الله تعالی. (ابن الخیر، ۱۴۰۹: ۱۰۸). قصیده فوق مشتمل به ۵۹ بیت می‌باشد. حافظ ابو عمرو - رحمه الله - یک بیت دیگر را به آن می‌افزاید تا شمار ابیات به شصت برسد. ابن الخیر رحمه الله - رحمه الله - سند خود را به این قصیده ذکر کرده و یک بیت آنرا طور ذیل بیان می‌کند. (ابن الخیر، ۱۴۰۹: ۱۰۸).

أقول لأهل اللب والفضل والحجر: مقال مرید للثواب وللاجر

قصیده ابوالحسن علی بن عبد الغنی، فهری، قیروانی، حصری (۴۸۸هـ): ایشان دارای قصیده‌ی است تحت عنوان: «القصيدة الحصرية في قراءة نافع» که در معارضه‌ی قصیده‌ی ابو مزاحم سروده شده است. (ابن جزری، ۱۴۰۹: ۹۶-۹۷). بیت اول قصیده این طور می‌باشد:

فاصله‌های ذیل اصلاح گردد

إذا قلت أبياتاً حسناً من الشعر فلا قلتها في وصل ولا هجر

وی در ادامه در باره‌ی قصیده خاقانی می‌نویسد:

فجئت بها فهرية حصرية على مائتي بيت تنيف تسعة

على كل خاقانية قبلها تُزرى وقد نظمت نظم الجمان على النحر

استشهاد به ابیات قصیده: یکی از بخش‌های دیگر تأثیرات این قصیده، استشهاد به ابیات آن توسط علمای بعد از او در مسائل مختلف، و ذکر ابیات قصیده در مؤلفات شان می‌باشد. در اینجا به صورت مختصر به سه نمونه اشاره می‌نماییم:

کتاب «جامع بیان العلم و فضله»: این کتاب، تألیف ابو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري، القرطبي - رحمه الله - (متوفی سال: ۴۶۳هـ) می‌باشد. وی در این کتاب وقتی با سند خود این قول امام شافعی رحمه الله - رحمه الله - را که برای ربیع بن سلیمان - رحمه الله - می‌گوید: «یا ربیع لو قدرت أن أطعمك العلم لأطعمتك إياه» نقل می‌کند، می‌گوید:

ابو مزاحم این قول امام شافعی رحمه الله - رحمه الله - را گرفته و آنرا در قالب شعر بیان نموده است. بعداً این دوبیت قصیده را ذکر می‌کند. (ابن عبد البر، ۱۴۱۴: ۴۷۳).

ألا فاحفظوا وصفي لكم ما اختصرته ففي شربة لو كان علمي سقيتكم
ليدريه من لم يكن منكم يدري ولم أخف عنكم ذاك العلم بالدخر

کتاب «النشر في القراءات العشر»: این کتاب، تألیف شمس الدین محمد بن محمد ابن جزری رحمه الله - رحمه الله - می‌باشد. وقتی این جزری در کتاب فوق خود در باره‌ی مصحف و التزام به رسم آن، و هم‌چنان در باره‌ی بعضی قواعد دیگر مربوط به وقف سخن می‌گوید، برای تأیید سخنان خود این قول ابو مزاحم را نقل می‌کند که می‌گوید:

وَقَفَّ عِنْدَ إِيْتِمَامِ الْكَلَامِ مُوَافَقًا: لِمُصْحَفِنَا الْمَثْلُوِّ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
(ابن جزری، بدون تاریخ: ۹۶)

منظومه‌ی « عمدة المجید و عدة المفید فی معرفة التجوید »: یکی از منظومات

مشهور در علم تجوید، منظومه‌ی علم الدین سخاوی به اسم « عمدة المجید و عدة المفید فی معرفة التجوید » می‌باشد. که تألیف ابو الحسن علی بن محمد بن عبد الصمد الهمدانی، المصری، الشافعی، - رحمه الله - مشهور به علم الدین سخاوی متوفی سال (۶۴۳هـ) می‌باشد. این منظومه‌ی ای است که آن‌را (میان نون و را نیم فاصله رعایت شود) علم الدین سخاوی در باب علم تجوید به رشته نظم در آورده است. ابیات اول این منظومه این طور می‌باشد:

يا من يروم تلاوة القرآن لا تحسب التجويد مدامفرطاً
ويرود شأؤ أئمة الاتقان أو مد ما لا مد فيه لوانيه

علم الدین سخاوی رحمه الله - رحمه الله - در اخیر این منظومه خود، به قصیده ابو مزاحم اشاره نموده می‌فرماید: فاصله‌ها میان کلمات به صورت معیاری رعایت شود:

وَاعْلَمْ بِأَنَّكَ جَائِرٌ فِي ظُلْمِهَا إِنْ قَسْتَهَا بِقَصِيدَةِ الْخَاقَانِي

شرح قصیده ابو مزاحم خاقانی از ابو عمرو عثمان بن سعید الدانی متوفی

سال ۴۴۴هـ: این کتاب، از جمله بهترین شروح این مقدمه به حساب می‌آید. وی در مقدمه کتاب خود این چنین می‌نگارد: « این کتابی است، که در آن قصد شرح قصیده‌ی ابو مزاحم موسی بن عبید الله یحیی بن خاقان بغدادی، مشهور به خاقانی که در باره‌ی « قرائت و حسن اداء » گفته است را داریم. (ابو عمرو دانی، بدون تاریخ ۸-۹).

پیشنهاده‌ها

بعد از آنکه مدتی به همراه موضوع فوق بودیم بعضی مسائلی در نظر رسید که آن‌را منحث پیشنهاد برای خواننده گرامی تقدیم می‌داریم.

۱- باید در باره گوشه‌های مختلف زنده‌گی علامه ابو مزاحم خاقانی - رحمه الله - ، بحث‌ها کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی برگزار گردد.

۲- تلاش صورت گیرد تا تألیفات علامه ابو مزاحم خاقانی به خصوص منظومه ایشان در میان مردم شهرت حاصل کرده و همان جایگاه گذشته اش دوباره احیا گردد.

۳- در باره‌ی حالت تجوید قبل از ابو مزاحم خاقانی و تلاش‌های علما در مورد آن، هر چه بیشتر بحث و بررسی صورت گیرد.

منابع

- ابن الخیر، ابوبکر محمد بن خیر بن عمر بن خلیفه اللمتونی الأموی الإشبیلی. (۱۴۱۹هـ/۱۹۹۸م) فهرسة ابن خیر. محقق: محمد فؤاد منصور. بیروت: دار الکتب العلمية.
- ابن جزری، ابو الخیر شمس الدین محمد بن محمد. (۱۳۵۱هـ) غایة النهایة فی طبقات القراء. تحقیق: ج. برجستراسر. قاهره: مکتبه ابن تیمیة.
- ابن جزری، ابو الخیر شمس الدین محمد بن محمد. (بدون تاریخ) النشر فی القراءات العشر. قاهره: المطبعة التجارية الكبرى.
- بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت الخطیب. (۱۴۲۲ هـ ۲۰۰۲ م) تاریخ بغداد. محقق: دکتر بشار عواد. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (بدون تاریخ) کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ذهبی، ابوعبدالله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز. (۱۴۱۷ هـ ۱۹۹۷ م) معرفة الکبار علی الطبقات والأعصار. بیروت: دار الکتب العلمية.
- ذهبی، ابوعبدالله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز. (۱۴۱۳ هـ ۱۹۹۳ م) تاریخ الإسلام ووفیات مشاهیر والأعلام. محقق: عمر عبد السلام تدمری. بیروت: دار الکتب العربی.
- ذهبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز. (۱۴۰۵ هـ ۱۹۸۶ م) سیر اعلام النبلاء. محقق: بشار عواد مؤسسة الرسالة، بیروت، چاپ سوم
- زرکلی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس. (۲۰۰۲ م) الأعلام. بیروت: دار الملايين.
- سزکین، فواد. (۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م) تاریخ التراث العربی. ترجمه به عربی: محمود فهمی حجازی. سعودی: ادارة الثقافة والنشر بالجامعة.
- قدوری الحمد، غانم. (۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م) ابحاث فی علم التجوید. عمان: دار عمار لنشر والتوزيع.
- کحاله، محمد بن رضا بن محمد. (بدون تاریخ) معجم المؤلفین. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مرزبانی، ابو عیید الله محمد بن عمران. (۱۴۰۲ هـ - ۱۹۸۲ م) معجم الشعراء. محقق: ف. کرنکو. بیروت: دار الکتب العلمية.

